

حق نفرت!

پاسخی به وزیر امور خارجه آمریکا بدنبال راه اندازی [تارنمائی](#) فارسی زبان توسط وزارت خارجه آمریکا برای مخاطب قرار دادن ایرانیان، کالین پاول وزیر خارجه وقت آمریکا اقدام به ارائه پیامی در این تارنما خطاب به ایرانیان کرد. این پیام از جوانب مختلفی قابل ارزیابی است. «حق نفرت» عنوان متن فارسی یک ارزیابی مجمل از این پیام است که در غالب پاسخ به ایشان به رشته تحریر درآمده.

داریوش سجادی

پیام وزیر امور خارجه آمریکا به مردم ایران:

به تارنمای جدید فارسی زبان وزارت امور خارجه ایالات متحده خوش آمدید. ما خوشحالیم که فارسی را به سایر تارنماهایی که به زبانهای عربی، چینی، روسی، اسپانیایی، و فرانسوی در این سایت ارائه می شود اضافه کنیم. امیدواریم شما این تارنما را منبع خوبی برای اطلاعات درباره ایالات متحده و درباره سیاست آمریکا در قبال ایران بیابید.

اختلافات ما با مردم ایران نیست، بلکه تصمیمات دولت ایران در حمایت از تروریسم، تلاش در دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی، و انکار حقوق بشر به مردم ایران است که مانع بهبودی روابط بین دو کشور می گردد.

در عمق سیاستهای ایالات متحده این اعتقاد راسخ وجود دارد که مردم سراسر جهان باید از آزادی بهره مند باشند. ایالات متحده خواهان ایرانی دموکراتیک، موفق، و جزئی از ترکیب اقتصاد جهانی است. من در انتظار روزی هستم که ایران جایگاه بحق خود را در خانواده ملتها بدست آورد. فرهنگهای ما می توانند نکات بسیاری به یکدیگر عرضه کنند.

تصاویر ایرانیانی که بلا فاصله با روشن کردن شمع بیاد قربانیان حملات تروریستی به ایالات متحده در 11 سپتامبر 2001 مراسم همدردی بجای آوردند عمیقاً ما را تحت تأثیر قرار داد. همانطوریکه پرزیدنت بوش روشن کرده است « دوستی بین مردم آمریکا و مردم ایران سابقه ای طولانی دارد. همچنان که مردم ایران به سوی آینده ای پیش

می روند که به معنی آزادی بیشتر و استقبال از عقاید مختلف است، آنها دوست بهتری از ایالات متحده آمریکا نخواهند داشت.» امیدوارم به اینتارنما به منزله نشانه ای از این دوستی بنگرید.

کالین ل. پاول

جناب آقای کالین پاول

مقام عالی وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا

پیام جنابعالی خطاب به مردم ایران برخوردار از نکاتی است که پرداختن به وجوهی از آن خالی از بهره نمی باشد.

جنابعالی در بخشی از فرمایشات خود ضمن اقرار بر وجود اختلافاتی میان دولت متبوعتان با دولت حاکم بر ایران اظهار داشته اید:

اختلافات ما با مردم ایران نیست، بلکه تصمیمات دولت ایران در حمایت از تروریسم، تلاش در دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی، و انکار حقوق بشر به مردم ایران است که مانع بهبودی روابط بین دو کشور می گردد.

صرف نظر از صداقت یا عدم صداقت جنابعالی در ابراز دوستی کشورتان با مردم ایران قطعاً این حق را برای افکار عمومی قائل خواهید بود تا از خاستگاهی دموکراتیک اختلافات مطرح شده جنابعالی و دولت متبوعتان با جمهوری اسلامی ایران را مورد مناقشه قرار دهند.

جناب آقای پاول

طی تمام مدت روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران دولتهای مستقر در کاخ سفید اعم از جمهوریخواه و دمکرات بالاتفاق جمهوری اسلامی ایران را بدلیل مواضع نفی گرایانه اش نسبت به دولت اسرائیل و حمایت ایشان از خیزشهای آزادیخواهانه مسلمانان در فلسطین و دیگر نقاط خاور میانه متهم به حمایت از تروریسم و مساعدت نظامی به این خیزشها کرده و می کنید و جسورانه درصدد تحمیل پیوستن ایران به روند صلح اعراب و اسرائیل و بهبود عادی سازی مناسبات تهران با تل آویو بوده و هستید!

اجازه دهید پاسخگوئی به اتهام حمایت نظامی تهران از جنبشهای ضد اسرائیلی را به دولتمردان جمهوری اسلامی واگذار کرده و قطعاً مطلع هستید که حاکمان ایران صادقانه یا ناصادقانه همواره به انکار این ادعا پرداخته و به صراحت اعلام کرده اند که جنبشهای آزادیخواهانه را مصداقی از تروریسم نمی دانند که در مساعدت رساندن به آنها دچار خجلت و شرمساری باشند و مشکل اصلی خود را با شما در استانداردهای دو گانه آمریکا در تعریف از تروریسم می دانند.

اما گذشته از مجادلات بین حکومتی شما با دولتمردان ایران آیا این حق را برای افکار بین الملل قائل هستید که باب این پرسش را از جنابعالی و هیئت حاکمه کاخ سفید مفتوح نمایند که جایگاه عشق و نفرت در پارادایم دموکراسی بعنوان منظومه ای توجیهی - رفتاری کجا قرار دارد؟!

جناب آقای پاول

بعد از پنجاه سال اعمال سیاستهای نژاد پرستانه و جنایتهای شرم آور دولت اسرائیل نسبت به مسلمانان که متأسفانه کشور متبوع شما با داعیه ابرقدرتی و مهد آزادیخواهی به حمایت یکجانبه از این سلوک نامتعارف پرداخته است! اینک ضمن قبول ادعای شما مبنی برآنکه «در عمق سیاستهای ایالات متحده این اعتقاد راسخ وجود دارد که مردم سراسر جهان باید از آزادی بهره مند باشند» آیا بنیانهای دموکراسی و آزادی خواهانه کشور شما حق تحفظ نفرت از اسرائیل را برای مسلمانان که ایران نیز بخشی از آنرا تشکیل می دهد برسمیت می شناسد؟!

جناب آقای پاول

متأسفانه میزان حمایت کور و جانبدارانه جمیع دولت های ایالات متحده آمریکا از دولت اسرائیل به حدی افزایش یافته که عملاً دستگاه سیاستگذاری کاخ سفید را در یک پروسه تاریخی پنجاه ساله مبدل به ابزاری در خدمت مطامع و منویات دولت تل آویو کرده است.

عالیجناب

چنانچه استحضار دارید طی دو دهه گذشته جمعیتی بالغ بر 500 هزار نفر از هموطنان ایرانی اینجانب کشور جنابعالی را جهت سکونت برگزیده اند و بالغ بر هشتاد درصد این جمعیت به نیت برخورداری از حقوق و مزایای یک شهروند آمریکائی و قرار گرفتن در چتر حمایتی

دولت معظم و ابرقدرت ایالات متحده آمریکا با خلع تابعیت نسبی ،
تابعیت شهروندی آمریکائی را برگزیده اند!

اکنون آیا جنابعالی که در پیام خود اذعان داشته اید « دوستی بین
مردم آمریکا و مردم ایران سابقه ای طولانی دارد» میتوانید این
ادعا را داشته باشید که در دفاع از حقوق آن بخش از ایرانیان به
تابعیت کشور شما درآمده قائل به تبعیضی میان ایشان با دیگر
شهروندان آمریکائی نیستید؟

اگرابتدا بتوانید این ادعا را اثبات نمائید آنگاه این اجازه را
خواهید داشت که خود را در مقام استیفای حقوق شهروندی ایرانیان در
داخل خاک کشورشان قرار دهید.

جناب آقای پاول

سال گذشته یک نفر از همین ایرانیان به تابعیت کشور شما درآمده با
اطمینان خاطر از آنکه تابعیت آمریکائیش این ضمانت را به وی داده
که در خارج از کشور هر مشکلی برای وی پیش بیاید دولت ایالات متحده
به دفاع از وی برخواهد خاست در کسوت رقصنده گری! با اخذ ویزای
ایران به تهران رفت و در آنجا به اتهام رامشگری و فساد بازداشت و
محاكمه شد! اما علی رغم توقع وی و دیگر آمریکائیان ایرانی تبار،
دولت متبوع جنابعالی کمترین التفاتی به ایشان به عنوان شهروند
آمریکا نکرد! این در حالیست که سه سال پیش که چند شهروند یهودی
ایرانی و نه آمریکائی که در یکی از شهرهای ایران به اتهام جاسوسی
برای دولت اسرائیل بازداشت و محاکمه شدند دولت ایالات متحده در
راستای دفاع از این شهروندان ایرانی! آنچنان شهرآشوبی در سطح
جهان به راه انداخت که اعجاب همه خردورزان جهان را بهمراه آورد!

جناب آقای پاول!

در نظام بین الملل هر اندازه که یک کشور از قدرت بیشتری برخوردار
باشد متقابلاً بر میزان مسئولیتهای بین المللی اش نیز افزوده می
شود. حداقل توقع بین المللی از ایالات متحده ای که طلایه دار
آزادیخواهی و دمکراسی در نظام بین الملل بوده و هست برخورد
مسئولانه و عادلانه با بحران خاور میانه می باشد. توقعی که هیچوقت
عملی نشد!

جناب آقای پاول!

رئیس دولت متبوع جنابعالی، آقای جورج بوش بعد از حادثه تاسف بار یازدهم سپتامبر سال 2001 در نیویورک و واشنگتن طی نطق خود در کنگره سوال حاذقانه ای را مطرح کردند مبنی بر این مضمون که:

«امروز مردم آمریکا از ما می پرسند تروریستها چرا از ما متنفرند و نسبت به ما دست به چنین اعمالی می زنند؟»

هر چند طرح این سوال بسیار حاذقانه بود اما متاسفانه پاسخی که رئیس جمهور آمریکا در همان سخنرانی به این پرسش داد برخوردار از کمترین بهره هوشی بود! پرسشی که چنانچه با پاسخی منبعث از واقع بینی و دوراندیشی و درایت مواجه می شد شاید می توانست ترسیم کننده افق امیدوار کننده ای در روند صلح در خاورمیانه شود.

اما متاسفانه رئیس دولت جنابعالی با پاسخ اعجاب آور خود افکار عمومی و بخصوص مسلمانان را مواجه با بهت و حیرتی عمیق از کژاندیشی و ناپختگی رئیس جمهور قدرتمند ترین کشور در جهان پیچیده سیاست کرد:

«آنها دشمن آزادی ما هستند!!!»

عالیجناب!

موجب کمال امتنان و مزید تشکر است تا از قول مسلمانان به رئیس جمهورمنتخب تان بفرمائید که مسلمانان کمترین چشمداشتی به آزادی مردم آمریکا نداشته و ندارند. آنچه که منجر به آن شده تا ایالات متحده آمریکا که در پایان جنگ جهانی دوم بعنوان محبوب ترین کشور و سمبل آزادیخواهی نزد قاطبه ملت‌های جهان و مسلمانان شناخته می شد، اینک به این درجه از حسیض نفرت و انزجار نزد مسلمانان برسد که از بطن چنین نفرت کوری رفتارهای تروریستی غیر قابل دفاعی همچون حادثه یازدهم سپتامبر بروز کند، یکجانبه گرائی و اعمال سیاستهای جانبدارانه، ناعادلانه و غیرمتعارف کاخ سفید از اعمال و رفتار جنایتکارانه دولت تل آویو بوده است!

جناب آقای پاول

در چنین فضای ناعادلانه و خشونت باری که دولت اسرائیل به پشتوانه حمایت‌های کاخ سفید برای مسلمانان فراهم کرده آیا این حداقل حق را برای مسلمانان برسمیت نمی خواهید بشناسید که ایشان از این دولت جنایتکار و خونریز متنفر باشند؟! یا آنکه بنیانهای دموکراسی حق

عشق و نفرت را نیز مصادره بمطلوب می کند!
جناب آقای پاول

آیا جمهوری اسلامی ایران این اجازه را دارد تا در عین برسمیت نشناختن دولت اسرائیل از ایشان متنفر باشد یا آنکه مقتضای سیاستهای خاورمیانه ای دولت جنابعالی که بشدت آغشته به نفوذ لابی صهیونیسم است در صدد حُقنه عشق ورزیدن تحمیلی به اسرائیل به دولتمردان و مردم ایران و چه بسا دیگر مسلمانان است؟!

جناب آقای پاول

برای عشق ورزیدن صدها دلیل می تواند موجود باشد، اما برای نفرت ورزیدن تنها یک دلیل هم کفایت می کند!

اکنون پرسش اینجانب بعنوان یک شهروند ایرانی از جنابعالی که سالهاست دولت کشور اینجانب را تحت فشار قرار داده تا ایشان را متقاعد و یا مجبور به عشق ورزیدن به دولت نژاد پرست اسرائیل نمائید آنست که:

در جهان آزاد و دمکراتیک وعده داده شده شما چگونه می توان مالک احساسات خود بود؟

آیا قرار است در این جهان آزاد، خشم و مهر خود را نیز در ذیل تیول مبانی لیبرال دمکراسی آمریکائی قرار داده و مطابق با خواست و منافع ایشان اشگ ریخته و لبخند بزنیم؟!

آیا دنیای دمکراسی قرار است مسلمانان را از یگانه حق باقیمانده شان هم مسلوب الاختیار کند؟

جناب آقای پاول

شما قطعاً این فراز از سخنان تاریخی و ماندگار نلسون ماندلا را بیاد دارید که بعد از سالها تحمل رنج زندان و شکنجه نظام آپارتاید آفریقای جنوبی در فردای پیروزی مبارزاتش گفت:

نمی توانم فراموش کنم اما می بخشم. در عین حال اجازه دهید به استحضارتان برسانم که ما ایرانیان نیز قائل به این آموزه اخلاقی هستیم که « لذتی که در عفو است در انتقام نیست» اما این منافاتی با حق دیگر انسان که نبخشیدن و کین ورزیدن هست، نمی باشد.

امروز چنانچه مسلمانان نمی توانند تضییع حقوق مسلم انسانی خود توسط دولت اسرائیل را که مستظهر به حمایت‌های گسترده دولت شما می باشد، ببخشند و عملاً محروم از لذت عفو بردن از چنین بخشایشی شده اند، نباید بر ایشان خرده گرفت.

جناب آقای پاول

وجود چنین کینه ای را نه بمعنای سیاه دلی و تیره اندیشی مسلمانان تعبیر کنید و نه آنرا به حساب جنگ طلبی و خشونت ورزی مسلمانان بگذارید. مسلمانان برای تحفظ بغض و کینه خود از اسرائیل نه یک دلیل بلکه صدها دلیل را در پیشینه تاریخی خود اندوخته دارند.

جناب آقای پاول

اسلام به ذات خود نه دین جنگ طلبی است و نه داعیه صلح طلبی دارد!

اینجانب بیش از این نیز در فردای عملیات تروریستی یازدهم سپتامبر خطاب به سیاستگذاران دنیای غرب تصریح داشته بودم که « اگر آقایان بوش و بلر تنها یکبار به قرآن مسلمانان رجوع کرده و آیات آنرا تنها روخوانی می کردند متوجه می شدند که اسلام دینی صلح طلب نیست! همانطور که دینی جنگ طلب نیز نیست. آنچه که جوهر اسلام را از دیگر ادیان متمایز کرده ذات حق طلب و عدالت خواهانه آنست که در کتاب مرجع ایشان با صریح ترین آیات بر آن تاکید شده است. جوهر حق طلب و عدالت خواه اسلام به مسلمانان این امکان و ظرفیت را داده و می دهد تا چنانچه خود تشخیص دهند برای تحقق حق و عدالت عمیق ترین صلح نامه ها را با دشمنانشان منعقد نمایند همانطور که پیغمبر اسلام در حدیبیه صلح نامه تاریخی خود با دشمنان جامعه نوپای اسلامی را امضاء کرد و به همان میزان نیز از آن درجه استعداد و انگیزه برخوردارند تا برای تحقق حق و عدالت تن به جنگ با دشمنانشان بدهند، همانطور که بعد از نقض صلح نامه حدیبیه توسط جبهه کفار، پیغمبر اسلام دست به لشکر کشی گسترده به سوی دشمنان جامعه اسلامی زد»

جناب آقای پاول

سهم و تعهد ایرانیان از عدالت خواهی مستتر در ذات اسلام بواسطه برخورداری از فرهنگ تشیع و اسطوره ظلم ستیزی همچون «حسین بن علی» سومین رهبر مذهبی ایشان بمراتب بیشتر و پیشتر از دیگر فرق اسلامی است. برخورداری از چنین استحکامات دین ورزانه ای است که ایرانیان

را در صف اول مبارزه اعتقادی با ستمگری جمعی مدعی پیروی از آموزه های موسی کلیم الله در سرزمین های اشغالی فلسطین کرده است.

اما نه جنابعالی و نه هیچ شخص و سازمان و تشکل دیگری هرگز حق آنرا ندارد که این پیشآهنگی اعتقادی را به معنای یهود ستیزی ایرانیان تعبیر کند. جامعه مسلمان ایران افتخار آنرا دارد که سالها با صلح و دوستی و مؤانست، همزیتی مسالمت آمیزی با هم وطنان یهودی خود داشته است.

همچنانکه همان فرهنگ و استحکامات دین ورزانه ایرانی اجازه آنرا به هیچکس نمی دهد تا تعین و تعریف کننده نوع و میزان بغض و نفرت ایشان از ظالمین و ستمگران باشد.

جناب آقای پاول

جنابعالی در بخش دیگری از پیامتان خطاب به ایرانیان و مطابق معمول با استناد به راه اندازی نیروگاه اتمی بوشهر، تلاش دولت ایران در دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی را منشاء اختلاف دولت متبوع خود با جمهوری اسلامی ایران ذکر کرده اید.

اکنون جامعه ایرانی حق این پرسش را برای خود محفوظ می دارد که در منطق دولتمردان کاخ سفید برخورداری از سلاح های کشتار جمعی بالذات مذموم است یا بالعرض؟!

صادقانه به این پرسش پاسخ دهید که چنانچه رژیم پهلوی که علی الظاهر الگوهای رفتاریش هم پوشی کاملی با آموزه ها و جهتگیریهای سیاسی ایالات متحده را داشت در سال 79 ساقط نمی شد، اکنون جنابعالی و دیگر دولتمردان کاخ سفید اینچنین دغدغه برخورداری ایران از سلاح های کشتار جمعی را داشتید؟!

طبعاً با توجه به برخورداری تعداد قابل توجهی از کشورهای جهان از سلاح های اتمی از جمله دولت متبوع جنابعالی و دو کشور متحدتان اسرائیل و پاکستان نمی توانید مدعی مذمت ذاتی برخورداری از سلاح اتمی باشید!

لذا مشکل اصلی جنابعالی و دیگر دولتمردان ایالات متحده را باید در نوع جهتگیری سیاسی نا همسوی جمهوری اسلامی ایران با منویات کاخ سفید در منطقه جستجو کرد.

راستی جمهوری اسلامی در چه صورتی می تواند از حق برخورداری از سلاح

ا تمی بهره مند شود؟ هر چند دولتمردان جمهوری اسلامی همواره در مواجهه با اتهام تلاش جهت برخورداری از سلاح اتمی خجولانه تنها مدعی استفاده صرف از انرژی اتمی برای کشور خود شده اند اما اینجانب در مقام یک شهروند این حق را برای کشور خود قائل بوده و هستم تا فارغ از اعمال فشارهای خارجی اهتمام خود را صرف برخورداری از سلاح اتمی همانند دیگر کشورهای جهان بعنوان سلاحی تدافعی و بازدارنده مصروف دارد.

جناب آقای پاول

لشگرکشی اخیر شما به منطقه خاورمیانه و تهاجم نظامی تان به عراق که با دهان کجی و بی اعتنائی گستاخانه ای به سازمان ملل متحد صورت گرفت کند ذهن ترین انسانها را به این نتیجه اجتناب ناپذیر می رساند که تنها راه ایمن ماندن در مقابل هژمونی میلیتاریستی ارتش ایالات متحده آمریکا، دافعه نظامی داشتن در حد و اندازه های معقول جهت منصرف کردن دولت متبوع جنابعالی از طمع ورزی نسبت به منابع موجود در منطقه است.

امیدوارم توقع آنرا نداشته باشید ادعاهای عوامفریبانه دستگاه دیپلماسی کاخ سفید مبنی بر انگیزه دمکراسی خواهانه و انساندوستانه ارتش آمریکا در لشگرکشی به عراق مورد قبول جامعه خردورز ایرانی قرار گرفته باشد.

البته جامعه خردورز ایرانی هرگز اصرار و توقع آنرا نداشته و ندارد که دولتمردان کاخ سفید امیال و منویات هژمونیک خود در تهاجم به عراق بمنظور تسلط بر گلوگاه انرژی اروپا را صراحتاً در افکار عمومی بیان نمایند اما در همان سطح هم از ایشان توقع دارند تا اجازه داشته باشند مهملات تبلیغاتی دستگاه دیپلماسی کاخ سفید را تنها تحمل شنیداری کنند!

جناب آقای پاول

جنابعالی در پیام خود خبر داده اید که اقدام ایرانیانی که (در داخل ایران) بلافاصله با روشن کردن شمع بیاد قربانیان حملات تروریستی به ایالات متحده در 11 سپتامبر 2001 مراسم همدردی بجای آوردند دولتمردان کاخ سفید را عمیقاً تحت تاثیر قرار داده است.

عالیجناب اینجانب اطمینان دارم که ابراز هم دردی ایرانیان نسبت به قربانیان حملات تروریستی یازدهم سپتامبر از جانب مردم و دولت

آمریکا به حساب انساندوستی و غنا و تمول فرهنگ و تمدن ایرانی گذاشته خواهد شد اما اجازه بدهید در همین جا نیز پاسخ به این سوال را از جنابعالی مطالبه کنم که چرا در حافظه تاریخی مردم ایران چنین رویکرد انساندوستانه ای از کشور شما وجود ندارد؟

مردم ایران آنروزی که دولت مشروع و محبوبشان توسط کودتای عوامل CIA در 28 مرداد 32 ساقط شد، کمترین نشانی از تاجر و استمالت نزد دولت و ملت آمریکا ندیدند!

مردم ایران هرگز بیاد نمی آورند، آنروزی که پیکرهم وطنانشان بر فراز آبهای خلیج فارس با شلیک موشک ناو هواپیمابر وینسنس تکه تکه شد، شمعی در شهرهای آمریکا به نشانه ابراز هم دردی روشن شده باشد!

جناب آقای پاول

متاسفانه ادعای جنابعالی که به نقل از پرزیدنت بوش اظهار داشته اید « دوستی بین مردم آمریکا و مردم ایران سابقه ای طولانی دارد» مبیّن قلت بضاعت سواد تاریخی رئیس جمهور ایالات متحده لااقل در حوزه مناسبات با ایران است.

صرف نظر از یک مقطع کوتاه که مردم ایران شاهد خدمات صادقانه دکتر میلسپو و مورگان شوستر در ایرانیه قبل از جنگ جهانی دوم بودند ، متاسفانه در تمامی سالهای بعد از جنگ جهانی دوم که دنیا شاهد کنار گذاشتن دکترین مونروئه و ورود آمریکا به عرصه بین الملل شد لااقل حافظه تاریخی مردم ایران کمترین نشانه ای از سنوات دوستی و یا حسن نیت آمریکا در قبال مسائل مبتلابه ایران در خود نگنجانده .

اگر تحمیل و حمایت همه جانبه از حکومت دیکتاتوری پهلوی به بهانه مقابله با خطر سرخ و چشم پوشی نسبت به تمامی رفتارهای غیر دمکراتیک و مستبدانه این حکومت را رئیس جمهور ایالات متحده دوستی بین مردم آمریکا و ایران تلقی می کنند، باید میانی دوستی در فرهنگ آمریکائی را مورد مناقشه و بازبینی قرار داد!

راستی! اخذ حق توحش از حکومت پهلوی بواسطه حضور مستشاران و کارگزاران کشور جنابعالی در ایران را ایرانیان باید بمعنای دوستی بین دو کشور تلقی نمایند؟! اظهارات گاسپار واینبرگر مبنی بر وحشی خواندن ملت ایران و لزوم ریشه کن کردن این ملت را چه عنوانی باید نهاد؟

جناب آقای پاول

در اینجا اجازه می‌خواهم رازی نه چندان پنهان را به جنابعالی بگویم!

بدنیال لشگرکشی ارتش ایالات متحده به عراق و ساقط کردن حکومت صدام حسین، اکثر جامعه جوان و بخش‌هایی از دیگر اقشار جامعه ایرانی در خفا و آشکار این نوید را به خود می‌دهند که بعد از عراق نوبت ایران است! و آمریکائیا بزودی دروازه‌های تهران را با سرکوب حکومت جمهوری اسلامی فتح نموده و دروازه‌های بهشت را به روی ایشان می‌گشایند!

بر آنان نباید خرده گرفت! جوانند و سطح فهم و تحلیل سیاسی‌شان به مقتضای سن‌شان نحیف است.

اما اجازه بدهید ریشه‌های رواج چنین رویکردی را نیز مطمح نظر قرار دهیم.

عالیجناب

متأسفانه اخیراً در کشور اینجانب پدیده زشتی تحت عنوان دختران خیابانی بوجود آمده که محصول مناسبات غلط حاکم در خانواده و عدم توجه و یا عدم امکان توجه به مطالبات جامعه نسوان جوان ایرانی است. فقر مالی در کنار فقر فرهنگی موجود در بخش‌هایی از خانواده‌های ایرانی عملاً عرصه را بر دختران موجود در چنین خانواده‌های آنچنان تنگ کرده که ایشان فرار از کانون خانواده را در زندگی نو و تجربه نشده‌ای در خیابانها ترجیح می‌دهند!

فراری که هر چند به نیت کسب زندگی بهتر و آزادتر صورت می‌گیرد اما متأسفانه فرجام آن نهایتاً به فاحشه‌خانه ختم شده و می‌شود!

بر همین سیاق مایلم گرایش اخیر برخی از جوانان و اقشار جامعه ایران را که مشتاقانه و در آرزوی کسب دنیائی بهتر حضور نیروهای نظامی ارتش ایالات متحده آمریکا را لحظه شماری می‌کنند! مورد توجه قرار دهم.

متأسفانه جزم اندیشی و انحصارطلبی و بی‌کفایتی بخش‌هایی مسلط از حاکمیت ایران نسبت به مطالبات مدنی و شهروندی جامعه ایران و ندادن فرصت به آن بخش از جناح‌های اصلاح طلب بمنظور تمشیت مطالبات مشروع جامعه در کنار ضعف بنیه مالی حکومت که سیاستهای انقباضی

دولت متبوع جنابعالی علیه ایران سهم عمده ای در ایجاد چنین مزیقه های اقتصادی را به عهده دارد، اقشار فوق الذکر را به چنین اشتیاق وهم آلودی کشانده!

جناب آقای پاول

ایرانیان مردمی میهمان نوازند، اما میهمان نوازی خوش استقبال و بد بدرقه!

تجربه تاریخی تحمیل کننده این سنت در فرهنگ ایرانی شده. چرا که در طول تاریخ خود علی رغم میهمان نوازی خوش استقبالیانه، ایشان عموماً خود را مواجه با میهمانانی یافته اند که بدیهی ترین آداب میهمان بودن را رعایت نکرده اند.

ایالات متحده آمریکا یکبار در دوران دکتر محمد مصدق این فرصت تاریخی را پیدا کرد تا با تکیه بر حُسن استقبال مردم ایران حُسن نیت خود را با رعایت حق و آداب میهمانی به ایرانیان اثبات نماید.

متأسفانه واشنگتن نشان داد با عدم شناخت فرهنگ ایرانی نمی تواند میهمان محترمی برای ایرانیان باشند.

امیدوارم بار دیگر مرتکب اشتباه نشده و با تکیه بر شوق زدگی بخشهایی از جامعه جوان ایران برای آغوش گشائی و استقبال از حضورتان در ایران پرونده اختلافات ایران و آمریکا ر قطورتر از آنچه اکنون هست، نکنید.

جناب آقای پاول

جمعیت دولت های ایالات متحده آمریکا طی 24 سالی که از عمر جمهوری اسلامی ایران می گذرد بلاگردان اشتباه استراتژیک دولت وقت واشنگتن در دوران زمامداری دکتر مصدق شده اند.

طبعاً چنانچه در آن ایام دولت وقت آمریکا خویشتنداران تحت اغوای لندن و فوبیای سرخ قرار نگرفته بود و با آغوش گشائی از دولت ملی و محبوب مصدق به حمایت از روند دمکراتیزاسیون موجود در کشور می پرداخت، 25 سال بعد از آن تاریخ خود را مواجه با انقلابی بشدت ضد آمریکائی نمی دید که ظفرمندان موفق شده است با اپیدمی کردن فرهنگ ضدیت با آمریکا دوران طلائی حضور مسلط و بدون دغدغه ایالات متحده در خاورمیانه را مبدل به کابوس وحشت از تروریسم نماید.

جناب آقای پاول

در انتها به جنابعالی توصیه می‌کنم طی ملاقاتهای خود با رئیس جمهور آمریکا بار دیگر پرسش حاذقانه ایشان در کنگره را یادآور شوید (چرا در خاور میانه از ما نفرت دارند؟) اما بجای ایشان بکوشید خود شخصاً پاسخ به این پرسش را با منطقی واقعینانه بیان نمائید.

با تقدیم احترام

داریوش سجادی

۲۴/اردیبهشت/۸۲

آمریکا